

خدا چون سلام به روی ماهت...

ماروین و جیمز ۱: یک دوستی غیر معمولی



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

یک دوستی غیر معمولی

ماروین و جیمز

الیز بروچ • کلی مرفی • فاطمه سراجی

سرشناسه: بروچ، الیز

Broach, Elise

عنوان و نام پدیدآور: یک دوستی غیر معمولی / نویسنده الیز بروچ : تصویرگر کلی مرفی: مترجم فاطمه سراجی.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۰صص مصور (رنگی): ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شناسه‌ی آفروده: جیمز: ۱

شابک: دوره ۵-۴۷۲-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۸-۴۷۱-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The miniature world of Marvin & James, 2014

موضوع: داستان‌های کودکان (آمریکایی) -- قرن ۲۰ م.

موضوع: Children's stories, American -- 20th century

شناسه‌ی آفروده: مرفی، کلی، ۱۹۷۷ - م.، تصویرگر

شناسه‌ی آفروده: Murphy, Kelly, 1977

شناسه‌ی آفروده: سراجی، فاطمه، ۱۳۶۴ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۶۰۳/۸۶۴۵ ۱۳۹۷

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴ [ج]

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۹۹۵۲۲

۷-۹۶۴۰۱



انتشارات پرتقال

ماروین و جیمز ۱:

یک دوستی غیر معمولی

نویسنده: الیز بروچ

تصویرگر: کلی مرفی

مترجم: فاطمه سراجی

ویراستار: آناهید خرمی

مشاور هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: محمدجواد جمشیدی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / مهدیه عصارزاده - سجاد قربانی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۴۷۱-۸-۴۷۱-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: پرسیکا

صحافی: تیرگان

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱- ۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

تقديم به همسر و همراهِ زندگي من
ف.س

فهرست

فصل اول

جیمز خدا حافظی می‌کند ۹

فصل دوم

در اتاق مطالعه ۲۷

فصل سوم

به دام افتادن! ۵۲

فصل چهارم

راه فرار ۶۴

فصل پنجم

بازگشت به خانه! ۸۵

فصل اول

جیمز خداحافظی می کند



ماروین غمگین است چون دوستش جیمز می خواهد به سفر برود.

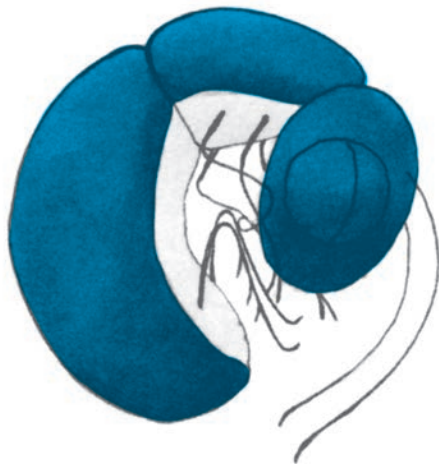
جیمز به او می گوید: «فقط چند روز می روم کنار دریا و زود برمی گردم.»

خانم پمپیدی و ویلیام هم می روند.



فقط آقای پمپدی در خانه می‌ماند. ماروین آقای پمپدی
را دوست ندارد.

جیمز می‌گوید: «یک هفته‌ای برمی‌گردم.»
اما این حرف حال ماروین را بهتر نمی‌کند. یک هفته
زمان خیلی زیادی است! دلش برای جیمز تنگ می‌شود.
ماروین خودش را مثل توپ جمع می‌کند. این شکلی:



جیمز به سمت ماروین خم می‌شود و به او می‌گوید:
«ناراحت نباش دوست کوچولو، وقتی برگردم با یک چیز
خوب غافلگیرت می‌کنم.»
حتی با این حرف هم حال ماروین بهتر نمی‌شود. آخر
او بدون جیمز چی کار کند؟ جیمز بهترین دوستش است.





جیمز چمدانش را روی تخت می‌گذارد و می‌گوید: «بیا
کمکم کن چمدانم را جمع کنم.»
ماروین دلش نمی‌خواهد در جمع کردن چمدان به او
کمک کند. اما این تنها کاری است که قبل از سفر جیمز
می‌توانند با هم انجام بدهند.

جیمز فهرستی را که از وسایل سفرش نوشته است،
روی میز تحریر می‌گذارد.

لیست لوازم سفر

۱. جوراب
۲. لباس راحتی
۳. لباس شنا
۴. پیژامه
۵. پیراهن
۶. شلوارک
۷. مسواک
۸. کتاب



جیمز به ماروین می‌گوید: «حالا روی اسم هر وسیله‌ای که گفتم خط بکش.» او در شیشه‌ی جوهر را باز می‌کند، کمی جوهر در آن می‌ریزد و جلوی ماروین می‌گذارد. درست است که ماروین خواندن بلد نیست اما خط کشیدن که بلد است! او پاهای جلویی‌اش را در جوهر فرو می‌برد.



جیمز می‌گوید: «یک جوراب.» و جوراب‌هایش را توی
چمدان می‌گذارد.

ماروین روی اولین کلمه‌ی فهرست خط می‌کشد.
جیمز می‌گوید: «دو... لباس راحتی.» سپس لباس
راحتی را هم داخل چمدان می‌گذارد.
ماروین دومین کلمه را هم خط می‌زند.





«سه... لباس شنا.» جیمز لباس شنا را در چمدان می‌گذارد. روی لباس شنای جیمز عکس چندتا سنجاکک هست. ماروین با خودش فکر می‌کند که اگر عکس سوسک روی لباس شنا بود قشنگ‌تر می‌شد. او سومین کلمه را هم خط می‌زند.

«چهار... پیژامه.» و پیژامه‌اش را در چمدان می‌گذارد. ماروین چهارمین کلمه را خط می‌زند.

جیمز به او می‌گوید: «دیدی؟ تو واقعاً داری به من کمک می‌کنی. تا این‌جا نصف وسایل را جمع کردیم. پنج... پیراهن.» او پیراهنش را هم در چمدان می‌گذارد.



ای وای! جواهرِ پاهای ماروین تمام شد. او دوباره پاهایش را داخل جواهر فرو می‌برد و روی پنجمین کلمه‌ی فهرست هم خط می‌کشد.

«شش... شلوارک، چمدانم دارد پر می‌شود.» جیمز شلوارکش را داخل چمدان می‌چپاند.

ماروین ششمین کلمه را خط می زند.



«هفت... مسواک.» جیمز به ماروین می گوید: «من همیشه مسواکم را فراموش می کنم. برای همین این فهرست را نوشتم.» بعد مسواکش را هم در چمدان می گذارد.
ماروین هفتمین کلمه را خط می زند.



مسواک

حالا فقط یک کلمه باقی مانده است.
«هشت... کتاب! دیگر تمام شد.» او یک کتاب از
کتابخانه‌اش برمی‌دارد. ماروین روی آخرین کلمه‌ی
فهرست هم خط می‌کشد.



جیمز می‌گوید: «چمدانم دیگر جا ندارد.» بنابراین
کتابش را روی زمین می‌گذارد و وسایل داخل چمدان را
کمی جابه‌جا می‌کند.
خانم پمپدی صدا می‌زند: «جیمز! آماده‌ای؟ اگر دیر
کنیم به هواپیما نمی‌رسیم.»
جیمز می‌گوید: «آماده‌ام مامان.» و زیپ چمدانش را
می‌بندد.